



پابلو نرودا

اعتراف به زندگی

زندگی نامهای شخصی

ترجمه‌ی احمد پوری

www.ketab.ir

سرشناسه: نرودا، پابلو، ۱۹۰۴-۱۹۷۲ م.

Neruda, Pablo

عنوان و نام پدیدآور: اعتراف به زندگی: زندگی شخصی / پابلو نرودا؛ برگردان احمد پوری

مشخصات نشر: تهران، نشر چشمه، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ۵۰۳ ص.

شابک: 978-600-229-576-7

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Confieso que he vivido

یادداشت: کتاب از متن انگلیسی با عنوان "Memories" به فارسی ترجمه شده است

موضوع: نرودا، پابلو، ۱۹۷۲-۱۹۰۴ م.

موضوع: Neruda, Pablo

موضوع: شاعران شیلیایی -- قرن ۲۰ م. -- سوگنشت‌نامه

شناسه‌ی افزوده: پوری، احمد، ۱۳۳۲، مترجم

رده‌بندی کنگره: PQ8.۹۷ / ۴ ی ۴۶۳ ۱۳۹۴

رده‌بندی دیویی: ۸۶۱ / ۶۲

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۴۰۱۴۱۹۸



cheshmehpublication



telegram.me/cheshmehpublication

www.cheshmeh.ir

رده‌بندی نشر چشمه: خاطرات و زندگی‌نامه

اعتراف به زندگی پابلو نرودا ترجمه‌ی احمد پوری

مدیر هنری: مجید عباسی

لیتوگرافی: باختر

چاپ: دالاهو

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۵، تهران

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

این چاپ انتشارات نوظ و مخصوص نشر چشمه است.

هرگونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

سایک: ۷-۹۷۶-۲۲۹-۶۰۰-۹۷۸

تلفن دفتر انتشارات: نشر چشمه:

۰۲۱-۸۴۰۵

دفتر مرکزی و فروش نشر چشمه:

تهران، خیابان انقلاب، خیابان ابوریحان، خیابان سعید طری، شماره‌ی ۳۵.

تلفن: ۶۶۴۹۲۵۲۴

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی مرکزی:

تهران، خیابان کریم‌خان زند، نبش میرزای شیرازی، شماره ۲۰۰.

تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی گورش:

تهران، بزرگراه ستاری شمال، نبش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری کورش، طبقه‌ی پنجم، واحد ۴.

تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۸-۹۰

کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی آرن:

تهران، شهرک قدس (غرب)، بلوار فرحزادی، نرسیده به بزرگراه نیاش، خیابان حافظی، نبش خیابان فخارمقدم.

مجتمع تجاری آرن، طبقه‌ی ۲.

تلفن: ۷۵۹۳۵۴۵۵-۷

فهرست

۱۳.....	یادداشت متبسم.....
۱۷.....	اعتراف به ندکی.....
۱۹.....	فصل اول. پسرک ررستان.....
۲۱.....	جنگل شیلی.....
۲۳.....	کودکی و شعر.....
۳۲.....	هنر و باران.....
۳۸.....	نخستین شعر من.....
۴۲.....	خانه‌ی سه بیوه.....
۴۸.....	عشق در گندم‌زار.....
۵۱.....	فصل دوم. گم‌شده در شهر.....
۵۳.....	خانه‌های دانشجویی.....
۵۸.....	کم‌رویی.....
۶۲.....	اتحادیه‌ی دانشجویان.....
۶۵.....	آلبرتو روخاس گیمه‌نر.....
۶.....	دیوانه در زمستان.....
۷۵.....	تجارت بزرگ.....
۷۹.....	نخستین کتاب من.....
۸۴.....	واژه.....
۸۷.....	فصل سوم. راه‌های جهان.....
۸۹.....	پرسه در والپارائیزو.....
۱۰۰.....	کنسول شیلی در یک سوراخ.....

۱۰۳	مونپارناس
۱۰۸	سفر به شرق
۱۱۳	آلوارو
۱۱۵	فصل چهارم، تنهایی درخشان
۱۱۷	تصویرهای جنگل
۱۲۲	کنگروه‌ای در هند
۱۲۴	خدایان درازکش
۱۲۶	خانواده‌ی نگون‌بخت انسانی
۱۳۰	مانگوی بیوه‌مرد
۱۳۱	تریاک
۱۳۳	سیلا
۱۳۹	رندگی و رومبو
۱۴۴	سنگار
۱۵۱	باتاوا
۱۵۹	فصل پنجم، اسان در قلعه‌ی من
۱۶۱	فدریکو چه بر
۱۶۷	میگل هرناندز
۱۷۰	اسب سبز
۱۷۵	جنایت در گرانا‌دا روی داد
۱۷۹	کتاب من درباره‌ی اسپانیا
۱۸۱	جنگ و پاریس
۱۸۳	نانسی کونراد
۱۸۷	کنگروه‌ای در مادرید
۱۹۲	جنگ و صورتک‌ها
۱۹۵	فصل ششم، در جست‌وجوی افتادگان رستم
۱۹۷	راهی برگزیدم
۱۹۹	رافائل آلبرتی
۲۰۱	نازی‌ها در شیلی
۲۰۳	ایسلا نگرا
۲۰۵	برایم اسپانیایی بیاور
۲۰۷	انسان اهریمن صفت
۲۱۱	ژنرال و شاعر
۲۱۳	وینی‌پگ

۲۱۹.....	فصل هفتم. مکزیکی، شکوفا و خار آگین
۲۲۵.....	نقاشان مکزیکی
۲۲۸.....	ناپلئون اوپیکو
۲۳۰.....	مجموعه‌ای از اسلحه
۲۳۲.....	چرا نرودا
۲۳۴.....	شامگاه پرل هاربر
۲۳۷.....	من در کسوت نرم تن شناس
۲۳۹.....	آراکانیا
۲۴۱.....	را' و جادو
۲۴۵.....	فصل هشتم. کسورم در تاریکی
۲۴۷.....	ماهی پیچو
۲۴۹.....	رشت نیترا
۲۵۵.....	گوتزالس یدلا
۲۵۸.....	تن پاره پاره
۲۶۱.....	جاده‌ای در جنگ
۲۶۷.....	سلسله کوه‌های آندس
۲۷۱.....	سان مارتین د لوس آندس
۲۷۳.....	در پاریس با پاسپورت
۲۸۰.....	ریشه‌ها
۲۸۳.....	فصل نهم. آغاز و پایان تبعید
۲۸۵.....	در اتحاد شوروی
۲۹۱.....	دیداری دوباره از هند
۲۹۷.....	نخستین دیدار من از چین
۳۰۴.....	سرودهای ناخدا
۳۱۰.....	اقیانوس شناسی غیر حرفه‌ای
۳۱۵.....	فصل دهم. سفر دریایی و بازگشت به میهن
۳۱.....	بره‌ای در خانه‌ام
۳۱.....	راهی زندان در بوتوس آیرس
۳۲۳.....	شعر و پلیس
۳۲۵.....	برخوردی دیگر با سیلان
۳۲۸.....	دیدار دوم من از چین
۳۳۹.....	میمون‌های سوخومی
۳۴۲.....	ارمنستان

۳۴۵	جنگ و شراب
۳۴۹	کاخ‌ها در دست مردم
۳۵۴	دوران فضاوردان
۳۵۷	فصل یازدهم، شعر پیشه است
۳۵۹	نیروی شعر
۳۶۶	شعر
۳۶۸	زیستن با زبان
۳۷۰	منتقدین باید رنج کشند
۳۷۳	ابیات کوتاه و بلند
۳۷۶	اصالت
۳۷۹	بطری‌ها و تندیس‌ها
۳۸۳	کتاب اوصاف‌ها
۳۸۶	سبشهی ایسته
۳۸۷	مسیر من
۳۸۸	مختی، ارگرد
۳۹۱	الوار باشکر
۳۹۴	پیر رودی
۳۹۶	ژرزی بورزنا
۳۹۹	گنورگی سومیلو
۴۰۰	کوازی مودو
۴۰۲	واله‌خو همچنان زنده است
۴۰۴	گابریلا میسترال
۴۰۷	ویسته هویلدوبرو
۴۱۰	دشمنان ادبی
۴۱۵	انتقاد و انتقاد از خود
۴۲۱	سالی دیگر آغاز می‌شود
۴۲۴	جایزه‌ی نوبل
۴۳۴	جیله چیکو
۴۳۶	پرچم‌های سپتامبر
۴۳۹	پرس‌تس
۴۴۳	کودوویلا
۴۴۵	استالین
۴۴۹	درسی در سادگی

۴۵۱.....	فیدل کاسترو.....
۴۵۶.....	نامه‌ای از کوبایی‌ها.....
۴۶۱.....	فصل دوازدهم. کشور محبوب من، سرزمین مستمکار من.....
۴۶۳.....	افراطی‌گری و جاسوسان.....
۴۶۷.....	کمونیست‌ها.....
۴۷۰.....	شعر و سیاست.....
۴۷۳.....	نامزدی برای ریاست‌جمهوری.....
۴۷۵.....	مبارزه‌ی آینده.....
۴۷۷.....	سفیر در پاریس.....
۴۸۲.....	بازگشت به شیلی.....
۴۸۴.....	فرهنگ.....
۴۸۶.....	تومیک.....
۴۸۹.....	آلنده.....
۴۹۳.....	نمایه.....

یادداشت مترجم

سال ۱۳۵۶ دانشگاه بیوکاسل انگلستان دوستی شیلیایی که مثل من شیفته‌ی شعرهای نرودا و لورکا و دیختران بود، هر شعر یا نوشته‌ای از این شاعران به انگلیسی می‌یافت برای من می‌آورد و گاه متن اصلی آن را هم برای من می‌خواند.

این دوست که دوره‌ی دسرای زبان و بییات انگلیسی را می‌گذراند در نظر داشت مجموعه‌ای پروپیمان از نرودا به انگلیسی برگرداند — که تا جایی که من می‌دانم این کار را نکرد. روزی با خوشحالی کتابی برایم آورد به خاطر آنکه زندگی‌نامه‌ی نرودا بود به قلم خودش. این کتاب چند ماهی بود به انگلیسی درآمده بود.

کتاب را خواندم و آن را چنان زیبا و پُر از اطلاعات هسته‌ای، خوب درباره‌ی تاریخ ادبیات اروپا و تا حدی جهان در فاصله‌ی سال‌های دهه‌ی بیست و دهه‌ی هفتاد دیدم که وسوسه‌ی برگرداندن آن سراغم آمد. ترجمه‌اش کاری بود دشوار برای من که به اندازه‌ی کافی درگیر درس‌های دانشگاه بودم تقریباً غیرممکن به نظر می‌رسید اما بلندپروازی و جسارت ویژه‌ی آن سن و سال و دوست همشهری نرودا که دم‌دست بود و من توانست بسیاری از دشواری‌ها را برایم آسان کند، موتور این تصمیم را روشن کرد و ترجمه را شروع کردم. در تمام مدت بارها و بارها به دوست شیلیایی‌ام مراجعه کردم و او در بعضی موارد با مقایسه‌ی ترجمه‌ی انگلیسی و متن اسپانیایی مشکل من را حل کرد.

در دمامد آمدنم به ایران در ۱۳۵۷ بود که کتاب را تمام کردم و نسخه‌ی دست‌نویس آن را لای کتاب‌هایم به ایران آوردم. آن روزها — شاید حتی این روزها هم — قبول چنین کتابی از

مترجم ناشناس و بیست و چندساله از طرف ناشرین تقریباً غیر ممکن بود. اما چند دوست فرهیخته‌ی دوروبرم دست‌نویس را خواندند و مرا تشویق به چاپش کردند. حتا به‌آذین مترجم نام‌دار هم بخشی از آن را در نشریه‌ی اتحاد مردم^۱ چاپ کرد.

در این روزها بود که ترجمه‌ای از این کتاب به قلم هوشنگ پیرنظر که نامی بود آشنا برای اهل ادبیات، از سوی نشر آگاه چاپ شد. کورسوی امید به چاپ آن خاموش شد و دیگر فکر چاپ این کتاب که بسیار دلبسته‌اش بودم برای همیشه از ذهنم خارج شد. تنها نسخه‌ی دست‌نویس کتاب هم در ماجرای ناپدید شد که دیگر ضرورتی برای سرچ آن نمی‌بینم.

تجربه‌ی بی‌نظم مدت‌ها در کتاب‌فروشی‌ها بود و بعد ترجمه‌ی دیگری هم به قلم هوشنگ را برای نشر آگاهی از سوی نشر نگاه از این اثر چاپ شد که باز در سایه ماند و اقبالی نیافت. در سال ۱۳۵۸ خیربیارها، موسسه‌ی ترجمه‌ای از این اثر مانند‌گار ادبیات جهان سراغم آمد. جز یادداشت‌هایی به ترجمه‌ی مشورت من با دوست شیلیایی‌ام بود و متن انگلیسی کتاب، هیچ‌چیزی نداشتیم و برای ترجمه باید از ابتدا و از صفحه‌ی اول شروع می‌کردم. این تصمیم را با حسن و بهرنگ آیانان در میان گذاشتم. هر دو با رویی گشاده آن را پذیرفتند و آقای حسن کیانیان تنها شرط پذیرش، «هایی» را کسب اجازه از مدیر نشر آگاه که برای نخستین بار این اثر را منتشر کرده بود، گذاشت. این کار هم انجام شد و جناب حسین خانی هم با گشاده‌رویی اجازه دادند و من تقریباً بی‌فیلم کلید کار را زدم.

اصلاً انتظار نداشتم اثری را که یک‌بار نزدیک به ده سال پیش برگردانده بودم چنین دشوار و پُرچالش بیابم. بارها در طول ترجمه پیش خود می‌نقتم: «خدا، آن سن و با آن بی‌تجربگی چه‌طور توانسته بودم این کار را به پایان برسانم و آخر سر هم به این نتیجه رسیدم که چه سعادت‌ی بود آن زمان برگردان کتاب را منتشر نکردم چرا که می‌توانست هزاران عیب و ایراد بیشتری از برگردان امروز که خود زیر تخته‌سنگی از ایراد و نقص است، داشته باشد. در هر صورت ترجمه‌ی این اثر برایم رؤیایی بود که به حقیقت پیوست. نام و مشخصات اصل کتاب این است:

۱. اتحاد مردم، شماره‌ی ۱۱، ۳ دی ۱۳۵۸، ص. ۳.

Pablo Neruda, *Memoirs (confieso que he vivido)*.

Translated by: Hardie St. Martin, Farrar Straus and Giroux, New York, 1977.

پابلو نرودا آخرین سطرهای این زندگی‌نامه را نزدیک به دو هفته پیش از مرگش در سپتامبر ۱۹۷۳ نوشت و هرگز فرصت ویرایش پیش از چاپ آن را نیافت. این کار را همسر او ماتیله اوروتیا و دوست نزدیکش میگل اوترو سیلوا شاعر و نویسنده‌ی سرشناس ونزوئلا، به فرجام رساندند.

احمد پوری

www.ketab.ir